

Elucidating the Dimensions of the Concept of Dwelling through a Phenomenological Approach in Informal Settlements: A Case Study of Mehr Housing Settlements in Hamadan, Iran

Shima Eslampour^{1*}, Khalil Mirzaei²,

- 1- Associate Professor, PhD in Architecture, Director of the specialized service center for entrepreneurship development, empowerment and sustainable rural employment - ACECR Hamadan branch, Hamedan, Iran.
- 2- PhD in Agricultural Extension and Education, Research assistant and Member of the specialized service center for entrepreneurship development, empowerment and sustainable rural employment- ACECR Hamadan branch, Hamedan, Iran.

*sh.e@jdhamedan.ac.ir

Date of submission: 2026/05/02 Revision: 2026/06/10 Acceptance: 2026/07/11

Abstract

Over the past decades, informal settlements have gradually emerged on the urban periphery outside the framework of formal urban development plans, giving rise to numerous social, spatial, and environmental challenges. These settlements have largely been developed as places that merely accommodate residents, reflecting a dormitory-oriented approach to housing in which the broader concept of dwelling has received limited attention. Accordingly, adopting a phenomenological understanding of dwelling is essential for designing human-centered living environments that respond to residents' multidimensional needs. The present study aims to enhance the quality of life in such settlements by revisiting the concept of dwelling and identifying design principles that can inform future housing policies. A mixed-methods research design was employed. In the first phase, a qualitative approach was used to identify the key dimensions of the concept of dwelling through a systematic coding process. In the second phase, the extracted dimensions were quantitatively evaluated using statistical analyses conducted in SPSS. The findings indicate that, from the residents' perspective, four principal dimensions constitute the realization of the concept of dwelling: (1) physical-spatial, (2) social, (3) environmental, and (4) perceptual dimensions, ranked respectively in order of importance. The study concludes that human beings possess four interrelated levels of needs corresponding to different dimensions of existence. Fulfilling these needs through the integration of physical-spatial, social, environmental, and perceptual dimensions is fundamental to achieving the authentic concept of dwelling and, consequently, improving the quality of life in informal housing settlements.

Keywords : Dwelling; Concept of Dwelling; Informal Settlements; Mehr Housing; Hamadan; Phenomenology.

تبیین مؤلفه‌های مفهوم سکونت با رویکردی پدیدارشناسانه در سکونتگاه‌های غیررسمی مطالعه موردی: سکونتگاه‌های مسکن مهر شهر همدان

شیما اسلام‌پور^{۱*}، خلیل میرزائی^۲

^{۱*} - استادیار، دکترای معماری - مدیر مرکز خدمات تخصصی توسعه کارآفرینی، توانمندسازی و اشتغال پایدار روستایی - جهاد دانشگاهی واحد همدان، ایران

^۲ - دکترای ترویج و آموزش کشاورزی و توسعه روستایی، معاون پژوهشی جهاد دانشگاهی واحد همدان، ایران

*sh.e@jdhamedan.ac.ir

پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۲۰

بازنگری: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰

تاریخ ارسال: ۱۴۰۵/۰۲/۱۲

چکیده:

در دهه‌های اخیر، به تدریج سکونتگاه‌های غیر رسمی در حاشیه شهرها خارج از برنامه رسمی توسعه شهری شکل گرفتند و معلول پیامدهای بی‌شماری در شهرها گشته‌اند. چنین سکونتگاه‌هایی، فقط ساکنانش را در خود جای داده است، سکونتگاه‌هایی با نگاه خوابگاهی صرف که در آن‌ها توجه کمتری به جنبه‌های گسترده مسکن از جمله مسئله سکونت شده است. در این راستا تحقق مفهوم سکونت با رویکردی پدیدارشناختی در شهرها، ضروری به نظر می‌رسد، تا در چنین سکونتگاه‌هایی بتوان فضاهایی منطبق بر نیازهای انسان را طراحی نمود. لذا هدف اصلی مقاله حاضر بهبود و ارتقاء کیفیت زندگی در چنین سکونتگاه‌هایی از طریق بازگشت به مفهوم سکونت و به منظور دستیابی به سیاست‌های طراحی می‌باشد. این مقاله به روش آمیخته انجام شده است، در بخش اول به منظور دستیابی به مؤلفه‌های مفهوم سکونت، از روش کیفی و در بخش دوم جهت ارزیابی مؤلفه‌های مفهوم سکونت از روش کمی، استفاده شده است. بدین منظور، داده‌ها در بخش اول، با استفاده از کدگذاری، استخراج شده، سپس در بخش دوم مؤلفه‌های استخراج شده با استفاده از نرم افزار SPSS و روش‌های آماری مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. با توجه به مطالعات انجام شده، به ترتیب چهار مؤلفه کالبدی - فضایی، اجتماعی، زیست‌محیطی و ادراکی از نظر ساکنان به عنوان مؤلفه‌های دستیابی به مفهوم سکونت معرفی شده‌اند. آنچه در نهایت این مقاله بیان می‌دارد این است که انسان چهار سطح نیاز متناسب با ساحت حیات خود دارد که این نیازها باید در راستای تحقق مفهوم سکونت که همانا به ترتیب، مؤلفه کالبدی - فضایی، اجتماعی، زیست‌محیطی و ادراکی است، تأمین شود.

واژگان کلیدی: انسان، مفهوم سکونت، سکونتگاه، مسکن مهر، همدان.

۱. مقدمه

پدیده مهاجرت و به دنبال آن شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، در سال‌های اخیر شدت یافته است. طی ۵۵ سال گذشته، نسبت شهرنشینی در ایران از ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۴ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)، بی‌آنکه زیرساخت‌های مورد نیاز به‌منظور افزایش یکباره این جمعیت پیش‌بینی گردد. در این رابطه یکی از نیازهای اولیه و اساسی، تأمین مسکن بوده است. در اصل ۳۱ و بند یک اصل ۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به تأمین مسکن به عنوان نیاز اصلی مردم تأکید شده است. در این راستا در سال‌های اخیر یکی از بزرگترین تصمیمات دولتی اخذ شده در بخش مسکن در جهت رفاه اجتماعی و تأمین مسکن اقشار کم درآمد جامعه، سکونتگاه‌های غیررسمی می‌باشد که منجر به ایجاد مشکلاتی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، فرهنگی، امنیتی، زیست‌محیطی و در نهایت افت کیفیت زندگی شده است. مفهوم کیفیت زندگی، مفهوم پیچیده، چند بعدی و نسبی متأثر از زمان و مکان و ارزش‌های فردی و اجتماعی است. بطور کلی کیفیت زندگی شامل مسائل مادی و غیر مادی است. از بعد مادی، کیفیت زندگی نه تنها مقوله‌هایی چون استانداردهای زندگی، امکانات زیربنایی، تولید اقتصادی، اشتغال، قیمت‌ها، قانون را در بر می‌گیرد، بلکه مواردی همچون سلامتی، سرگرمی، اوقات فراغت، فرهنگ و هنر نیز در همین مقوله می‌گنجد. امروزه معماری اینگونه از مسکن به دور از توجه به نیازهای انسان شکل گرفته است. چنین معماری‌ای محیط‌های جبرگرا را ایجاد می‌کند. این در حالی است که معماری مسکونی ایران در طول تاریخ، نمونه‌های ارزنده و بی‌نظیری به عرصه هنر معماری تقدیم داشته است. نمونه‌هایی که مصادیق بی‌بدیلی از فضای انسانی و در خور حیات و طبیعت انسان را به نمایش می‌گذارند در این راستا در سال‌های اخیر، یکی از سیاست‌های دخالت دولت در برنامه‌های توسعه ایران، جهت تأمین مسکن و در جهت رفاه اجتماعی، ساخت سکونتگاه‌های مسکن مهر بوده است که به‌عنوان یکی از اشکال پاسخگویی به نیاز مسکن می‌باشد و در طی سال‌های اخیر، محلی برای سکونت اقشار ضعیف بوده است. نگاه کمی‌نگر، در ساخت چنین سکونتگاه‌هایی موجب گردیده کیفیت فضای زندگی انسان و نیازهای اساسی آن به موضوعی فرعی تبدیل شود و در نتیجه فضاهای مسکونی دچار عدم تطابق با نیازهای استفاده‌کنندگان آن شود. چنین سکونتگاه‌هایی، فقط ساکنانش را در خود جای داده است، سکونتگاه‌هایی با نگاه خوابگاهی صرف که در آنها توجه کمتری به جنبه‌های گسترده مسکن از جمله مسئله سکونت شده است. در این راستا هدف مقاله حاضر، تبیین مؤلفه‌های مفهوم سکونت با رویکردی پدیدارشناسانه در سکونتگاه‌های غیر رسمی (مسکن مهر) در شهر همدان و سپس ارزیابی مؤلفه‌های مفهوم سکونت می‌باشد. این مقاله در بخش اول با روش تحلیل محتوا و با استعانت از روش پدیدارشناسی که داعیه آن بازگشت به خود چیزها است، انجام شده است. از آن جهت رویکرد پدیدارشناسی انتخاب شده که پدیدارشناسی برای اشیاء، موضوع و ماهیتی بیش از سطح ظاهری‌شان قائل است و در پی توجهی جدی به کیفیت فضا می‌باشد. سپس در بخش دوم با استفاده از نرم‌افزار spss داده‌های بدست آمده در بخش اول، مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. در این راستا مقاله حاضر، در پی پاسخ به سؤالات ذیل می‌باشد:

۱. مؤلفه‌های تجلی‌بخش مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های غیر رسمی کدامند؟
۲. اولویت‌بندی مؤلفه‌های مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های غیر رسمی به ترتیب کدامند؟

۱-۱ - مروری بر پیشینه پژوهشی:

وزیری زاده و حق شناس گرگانی (۱۴۰۳)، در پژوهشی دریافتند کیفیت زندگی افراد پس از نقل مکان به مسکن مهر، کاهش یافته و در مقایسه با محل سکونت قبلی، دسترسی ضعیف‌تری به زیرساخت‌های اجتماعی (بهداشت، آموزش، حمل و نقل عمومی و غیره)، خدمات و امکانات شهری دارند، به‌طوریکه برای بیشتر افراد کیفیت محیط ساخته شده در چنین سکونتگاه‌هایی مطلوب نیست و تمایل دارند به محل سکونت قبلی خود بازگردند. بدیعی قراقیه و اربابی سبزواری (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای، به تحلیل توانمندسازی سکونتگاه‌های غیر رسمی با تأکید بر رویکرد سرمایه اجتماعی در شهر اسلامشهر، پرداختند. آنها دریافتند بین توانمندسازی و سرمایه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و می‌توان با افزایش سرمایه اجتماعی، موجب توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر اسلامشهر شد. مظفری‌نیا و مصیب‌زاده (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای به ارائه راهکارهایی جهت ساماندهی سکونتگاه‌های غیر رسمی در حوزه شهرسازی پرداختند. آنها عواملی همچون ارتقاء امنیت اجتماعی ساکنان، تقویت اشتغال‌زایی نیروی انسانی، کنترل توسعه فیزیکی سکونتگاه، بهبود کیفیت زیست‌محیطی، بسترسازی مشارکت مالی ساکنین محله و بهبود حمل و نقل را از جمله سیاست‌های اجرایی در این ساماندهی چنین سکونتگاه‌هایی معرفی نمودند. سقایی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی تحت عنوان تحلیلی بر عوامل کلیدی مؤثر بر گسترش مهاجرت‌های روستایی با تأکید بر مسئله اسکان غیررسمی، به بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های روستایی با تأکید بر مسئله اسکان غیررسمی پرداختند. نتایج در درجه اول نشان داد چهار عامل خشکسالی و کمبود منابع آب، کاهش بهره‌وری و بی‌ارزش شدن بخش کشاورزی، کمبود امکانات زیربنایی در روستاها و تفاوت دستمزد بین شهر و روستا در شکل‌گیری مهاجرت‌های روستایی و تشدید اسکان غیررسمی نقش داشته است. ضرغامی و همکاران (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای در زمینه مؤلفه‌های تأثیرگذار بر رضایتمندی سکونتی در مجموعه‌های مسکونی اقشار کم‌درآمد دریافتند که رضایتمندی افراد ساکن در مجتمع‌های محصور بیشتر از افراد ساکن در مجتمع‌های غیرمحصور است. حاتمی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۷)، دریافتند تمامی اهالی ساکن در کوی زینبیه شهر پاکدشت، از مهاجرین روستایی بوده‌اند که به امید کسب درآمد و شغل، نقل مکان نموده‌اند و اغلب مهاجران با یکدیگر پیوند قومی-قبیلای داشته‌اند. آنها اصلاح ساختارهای اقتصادی و اجتماعی را مهم‌ترین راهکار اشاره شده در این مقاله، جهت پایداری ساخت سکونتگاه‌هایی معرفی نمودند. شعیبه و همکاران (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای به بررسی نحوه و علل شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی در کرج پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهند که ریشه شکل‌گیری سکونت در محله سهرابیه کرج به سال ۱۳۴۳ باز می‌گردد که به دلیل وجود مزیت‌های متعدد از قبیل ارزان بودن زمین، نزدیکی به شهر و عدم نظارت دقیق شهرداری بر ساخت و سازهای غیرمجاز، این محله مقصد مهاجرین گردیده است. بر این اساس لزوم توزیع عادلانه امکانات در سطح این مناطق و ایجاد فرصت‌های شغلی را به‌عنوان راه حل اصلی در حل مشکلات اینگونه از مسکن مطرح کردند. خلیفا (۲۰۱۵)، در مقاله‌ای ضمن اعلام آنکه سکونتگاه‌های غیر رسمی پیوسته در حال رشد هستند، راه حل آنرا استفاده از روش مشارکتی و ساخت مسکن مقرون به صرفه برای افراد ضعیف مطرح کرد.

با توجه به مطالعات انجام شده، تفاوت این مقاله با سایر مقالات، چند مسئله می‌باشد: مورد اول: پژوهش‌های انجام شده در حوزه سکونتگاه‌های غیر رسمی، از منظر جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، مورد بررسی قرار گرفته‌اند و به مسئله سکونت، با نگاهی معمارانه و پدیدارشناختی، پرداخته نشده است. مورد دوم: مربوط به روش کار می‌باشد، که به دلیل استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی در بخش اول، یافته‌ها مستقیماً از مصاحبه با ساکنان بدست آمده و یافته‌ها استنباطی و تحلیلی هستند

و سومین مورد: تفاوت نظام فکری این مقاله (پدیدارشناسانه) با مقالات دیگر است که با برداشتی تحلیلی از رابطه بین فضا، انسان و نیازهای او، به شناخت مفهوم سکونت در چنین سکونتگاه‌هایی پرداخته است.

۲-۱- مبانی نظری

۱-۲-۱- بررسی مفاهیم

"سکونت"، در فرهنگ فارسی معین با واژگان "اقامت کردن"، "ماندن" و "آرامش" برابر نهاده شده است (معین، ۱۳۶۲: ۱۰۰۲). سکونت از ریشه سکن است و مفهومی دوگانه به ذهن متبادر می‌سازد، اقامت و آرامش (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۵۱). در آیه ۸۰ سوره نحل خداوند می‌فرماید: "والله جعل لکم من بیوتکم سکنا"، خدا خانه‌هایتان را جای آرامستان قرار داد. "پدیدارشناسی"، می‌کوشد واقعیت‌ها را دوباره کشف کند. پدیدارشناسی در ورای ماسک‌های زندگی روزمره قرار دارد و سعی می‌کند پیش فرض‌ها و داوری‌ها را تقلیل دهد. مطالعات پدیدارشناسانه منجر به تولید مشاهدات نظری، تجربی و یا عددی و محاسباتی نمی‌شود، بلکه ارائه دهنده گزارش‌هایی از فضای زیسته و ارتباط انسان‌ها با محیط به شیوه‌ای که با آن زندگی می‌کنند، می‌باشد (پرتوی، ۱۳۹۴).

۲-۲-۱- تاریخچه سکونتگاه‌های غیر رسمی در ایران

به دنبال تحول الگوی سکناگزینی در ایران که در نتیجه تغییر در عواملی از جمله عوامل اجتماعی (افزایش جمعیت در شهرها، تحول ساختار خانواده و غیره)، عوامل فرهنگی (حضور زنان در جامعه، تغییر در باورهای مردم و غیره)، تکنولوژی (ورود مصالح جدید، نادیده گرفتن اقلیم و غیره)، عوامل اقتصادی (کالایی شدن مسکن، گران شدن قیمت زمین و غیره) و عوامل سیاسی (توجه به قشر کم‌درآمد و غیره) بوده است (علی‌الحسابی و کرانی، ۱۳۹۲)، منجر به ساخت و ساز انواع مسکن با الگوهای جدید معماری و حذف تدریجی برخی فضاها، شکسته شدن مرزهای اندرونی بیرونی، تغییر در تعریف حیات از فضای سازمان‌دهنده و در نهایت تغییر تدریجی مفهوم خانه به مسکن شده است. با توجه به آنکه تأمین مسکن برای قشرهای مختلف جامعه دغدغه تمامی دولت‌ها در سطح جهان بوده است، در کشور ایران هم این موضوع در برنامه تمامی دولت‌ها بوده است و هر کدام از آنها اقداماتی را برای تحقق بخشیدن به این امر انجام داده‌اند. این موضوع در دولت نهم جلوه دیگری پیدا نمود و احداث واحدهای مسکونی ارزان قیمت در دستور کار قرار گرفت که "مسکن مهر" نامگذاری شد. مسکن مهر، مجتمع‌های مسکونی هستند که ساخت آن‌ها در دولت محمود احمدی‌نژاد آغاز گردید. هدف از این طرح، خلنه‌دار کردن قشرهای کم‌درآمد بوده که طبق آن دولت با واگذاری قطعه زمین رایگان سعی داشته خانه‌سازی را تشویق کند. طرح مسکن مهر با وجود دستاوردهای مثبتی که در زمینه تأمین مسکن اقشار کم‌درآمد داشته است، آثار منفی زیادی بر ابعاد مختلف زندگی شهری و به ویژه چهره شهرها بر جای گذاشته است (Amirjani, 2020: 45). اینگونه از مسکن علاوه بر عدم توجه به جنبه‌های کیفی بنا، الزامات تعامل مطلوب میان کالبد خانه و نیاز انسان به سکونت، آرامش و آسایش را، مشابه آنچه در معماری سنتی دیده می‌شود، به کلی نادیده گرفته است.



شکل ۱: ویژگی‌های عمومی سکونتگاه‌های غیر رسمی. منبع: نویسندگان

۱-۲-۳- بررسی مفهوم سکونت با رویکردی پدیدارشناسانه از دیدگاه نظریه پردازان

در حوزه مطالعات خارجی، سکونت از منظر هایدگر^۱ امری پیچیده و چند وجهی است. اصلی‌ترین مقاله هایدگر در باب سکونت، "ساختن، سکنی‌گزیدن، اندیشیدن" است. از نظر او سکنی‌گزیدن، برای ایجاد آرامش بین فرد و جهان صورت گرفته و با ساختن شکل می‌گیرد. لذا مفهوم و هدف سکونت رسیدن به تعادل و آرامش برای انسان است. نوربرگ-شولتز^۲ در کتاب "مفهوم سکونت، به‌سوی معماری تمثیلی" (۱۹۸۴)، واژه سکونت را با مفهومی بیش از قرار گرفتن سقفی بر بالای سر و به زیر پا آمدن چندمتر مربعی زمین بکار گرفته است. از نظر او امروزه برداشت ما از سکونت صرفاً مادی و کمی می‌باشد، در حالیکه باید دارای مفهومی وجودی و کیفی نیز باشد. آموس راپاپورت^۳ نیز به مقوله مسکن و مفهوم سکونت پرداخته است. از نظر او مهمترین مؤلفه سکونت مقوله فرهنگ است. او عواملی چون اقلیم، تکنولوژی، شیوه ساخت، سایت، اقتصاد و مذهب را در شکل‌گیری یک واحد سکونتی دخیل می‌داند، اما معتقد است: فرهنگ در بالادست همه این مؤلفه‌ها تعریف کننده شیوه سکونت است. راپاپورت در کتاب خود با نام "انسان‌شناسی مسکن" (۱۹۶۹)، عقیده دارد معماری بومی به‌خوبی نشان‌دهنده مفهوم سکونت در نگاه ساکنان هر منطقه است. از نظر او فرهنگ نوعی جهان‌بینی تلقی می‌شود، جهان‌بینی نگرش اعضای یک فرهنگ در جامعه به تمامی موضوعات مرتبط با ابعاد مرتبط با انسان است. از نظر او سکونت به مفهومی به مراتب بالاتر از ماهیت کالبدی آن اشاره دارد که همانا توجه به نیازهای انسانی می‌باشد (Rapoport, 1982). از نظر پیتر زومتور^۴ (۱۹۴۳)، سکونت کردن، همان زندگی کردن و تفکر کردن در مکان‌ها و فضاها است، واقعیت عینی بناها است که وظیفه انتقال مفهوم سکونت کردن را دارد. آن چیزی که در ساختمان‌ها واقعیت است، مصالح، سنگ، پارچه، فولاد، چرم و غیره است. حقیقت معماری در تجسم کالبد آن نهفته است.

^۱. Heidegger

^۲. Norberg-Schulz

^۳. Amos Rapoport

^۴. Peter Zumthor

در حوزه مطالعات داخلی، احمدی و حبیبی (۱۳۹۸)، ضمن پرداختن به ضرورت و اهمیت تحقق امر سکونت، آنرا متأثر از عوامل فرهنگی و نمودهای آن تعریف کرده‌اند. از نظر آنها مؤلفه‌های تجلی‌دهنده مفهوم سکونت بر مبنای تحلیل‌های انجام‌شده چنین هستند، فضای جمعی، هویت جمعی، امنیت، سرمایه اجتماعی گروه، جدایی‌گزینی فضایی، قرابت فرهنگی، اعتماد اجتماعی و پویایی فرهنگی. از نظر کریمی، حجت و شهبازی چگنی (۱۳۹۷)، آنچه یک فضا را به مکانی برای سکونت تبدیل می‌کند، آغشته‌شدن آن با ابعاد وجودی انسان، خواسته‌ها و نیازهای طبیعی و متعالی او است. انسان زمانی در مسکن سکنا می‌گزیند که آنجا آینه‌ای باشد که ساکنین بتوانند خود را در آن ببینند. از نظر آنها برای آنکه انسان احساس سکونت نماید، باید بین ساکن و مسکن پیوند وجود داشته باشد که این تعلق و پیوند از عوامل معناساز در مسکن از جمله خوانایی متأثر از فرم کالبدی و الگوی فعالیت‌ها و آشنایی متأثر از طرحواره‌های آشنا و چندجانبه بوجود می‌آید (کریمی و همکاران، ۱۳۹۷). از نظر کوچکیان، آیوازیان، دیبا و نوروزبرازجانی (۱۳۹۶)، سکونت صرفاً توجه به ماهیت کالبدی نمی‌باشد، بلکه توجه به نیازهای انسانی را نیز در برمی‌گیرد. آنها علاوه بر عوامل کالبدی، از جمله معیارهای مؤثر بر کیفیت سکونت را عواملی همچون اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، زیباشناسی و زیست‌محیطی معرفی نموده‌اند (کوچکیان و همکاران، ۱۳۹۶). از نظر ایلیکا، منصوری، نصیرسلامی و صارمی (۱۳۹۴)، امروزه آنچه ساخته می‌شود باید مکان نام گیرد که در تقابل با نامکان‌های قرن بیست و یکمی عموماً برگرفته از نیازها و ارزش‌های مردم ساکن در آن نیست. از نظر آنها سکونت زمانی رخ می‌دهد که آن فضا ایجادکننده روابط انسانی باشد و فضا بتواند به طرق مختلف در تعامل با انسان و نیازهای او باشد (ایلیکا و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۶). امین‌پور، مدنی، حیاتی و دلداد (۱۳۹۴)، ضمن بیان آنکه سکونت به معنای داشتن حس تعلق به مکان است، مؤلفه‌های تجلی‌دهنده مفهوم سکونت را رعایت حریم، امنیت درونی و بیرونی مسکن، سلسله‌مراتب، ظرفیت مادی و معنوی مسکن، مکانیابی مناسب و هم‌پیوندی با طبیعت معرفی نمودند (امین‌پور و همکاران، ۱۳۹۴).

۱-۲-۴- تحقق نیازهای انسان در مسکن

در راستای تحولات انجام شده درخصوص تغییر الگوی مسکن در گذر زمان، به دلایل متعدد، میزان توجه به نیازهای انسان و تحت پوشش قراردادن نیازهای بنیادین او، در جهت تحقق مفهوم سکونت، دستخوش تغییر شده است. انسان به‌عنوان یک مخلوق در نظام هستی، موجودی نیازمند است. از منظر اسلام، انسان موجودی چند بعدی مرکب از ماده و روح است که دارای نیازهای مختلفی از جمله جسمانی، روحانی، اجتماعی، معنوی و روانی می‌باشد. در منابع اسلامی اشارات زیادی به نیازهای انسان شده است. یکی از کاملترین تعاریف مربوط به روایتی از امام علی (ع) است. در این تعریف انسان دارای چهار بعد است: نامی نباتی، حسی حیوانی، ناطقه قدسی و کلی الهی که هر کدام مسبب زیادت و نقصان، خشنودی و ناراحتی، عفت و حکمت و رضایت و تسلیم در او هستند. از آنجا که غایت انسان رسیدن به مراتب کمال در ابعاد مختلف حیات است، معماری زمینه‌ساز بستر نیازهای حیات انسانی است. لذا می‌توان گفت یک رابطه هم‌افزایی بین انسان، نیازهای حیات او و معماری وجود دارد (مظفر و همکاران، ۱۳۹۶).

طبق هرم مازلو^۵ که به سلسله‌مراتب نیازهای انسان می‌پردازد، نیازهای جسمانی (مادی) به‌عنوان پایه‌ای‌ترین نیاز در انسان می‌باشد، تا زمانی که این نیاز رفع نگردد، انسان مجالی برای دست‌یافتن به سطوح بالاتر را نخواهد داشت. این بعد در جهت پاسخگویی به نیازهایی همچون خوراک، پوشاک، مسکن و غیره است. نیاز معنوی در انسان با هدف تأمین سعادت،

حقیقت جویی، کمال و فضائل انسانی بروز می یابند و منجر به سلامت روانی و افزایش عزت نفس و فروکشی اضطراب می گردد. بعد روانی با هدف تأمین سلامت و بهداشت روان انسان یکی دیگر از نیازهای انسان است. از دیگر نیازهای انسان، بعد اجتماعی می باشد. این نیاز در انسان در جهت پاسخگویی به نیازهایی همچون امنیت، آرامش و نیازهای انتزاعی تری همچون خاطره انگیزی، تخیل، خودشکوفایی و هویت جمعی است (دزفولی و نقی زاده، ۱۳۹۳: ۲۱). آنچه مسلم است این می باشد که در سایه توجه به همه نیازهای انسان و در راستای تأمین آنها، او به آرامش و آسایش درونی می رسد (عبدلی سلطان احمدی و همکاران، ۱۳۹۲). بنابراین تا زمانی که انسان به جنبه های نیازهای وجودی خود آگاه نباشد، همواره بی خانمان خواهد ماند و این مسئله موجب از بین رفتن مفهوم سکونت در مسکن می شود. لذا برطرف نمودن نیاز واقعی برای سکونت در گروه تجدیدنظر در شناخت از خودمان است. هایدگر (۱۹۷۶)، در این باره می گوید: "بی خانمانی و بیگانگی، نشانه های شکست در مورد خودفهمی و خودشناسی است، آدمیان مدرن به فراموشی نسبت به چگونگی سکونت دچار گشته اند، اکنون آن ها بدون آن که مکان را تحت سکونت خود در آورند تنها در آن حضور دارند". درخصوص مطالعات انجام شده در پاسخ به نیازهای انسان در فضای معماری، توکلی و ماجدی (۱۳۹۲)، وجود طبیعت در مکان را موجب آرامش، نشاط و دوری از فشارهای عصبی عنوان نمودند. طبیعت به عنوان منبع انرژی های مثبت، نیرویی محرک و زمینه ساز آرامش روح و روان است. از نظر آنها طبیعت (گیاهان، آب، آسمان و غیره) به عنوان انرژی پنهان، عاملی است که انسان را برای زیستن متعالی آماده می سازد. همچنین آن را به عنوان نیازی برای دستیابی به جایگاه متعالی فکری، معنوی، نشاط روح و روان، کاهش فشارهای ناشی از زندگی، سلامت فکر و ذهن و منشأ احساساتی چون خلوت با خود، آرامش و سکوت معرفی نموده اند (توکلی و ماجدی، ۱۳۹۲). مهدی نژاد، عظمتی و صادقی حبیب آباد (۱۳۹۷)، ضمن آنکه بعد معنوی در انسان را اساس ارتباط با خدا به عنوان منشأ و حقیقت و غایت هستی دانسته اند، عواملی همچون رنگ، نور، صدا، فرم، هندسه، نقوش و مصالح را از عوامل مؤثر در در ایجاد حس معنویت در مکان معرفی نموده اند که جهت نمایش کثرت در وحدت، نمایش شکلی از کیهان و تجلی واقعیات آسمانی ماوراء عالم در کالبد بکار می روند. این حس با اتکاء بر ادراکات حسی قابل دستیابی است. در ارتباط با نیازهای روحانی، با هدف قرب الهی، فضای معماری از طریق ایجاد حرکت (کالبدی و بصری)، موجب حرکت جسم انسان به عالم روحانی می شود (مهدی نژاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۵). حمزه نژاد و دشتی (۱۳۹۵)، بکارگیری عناصر و مفاهیمی همچون سلسله مراتب فضایی و بصری، نور، پویایی و سیالیت، تداوم و پیوستگی فضایی، ارتباط درون و بیرون، ماده زدایی و سبکی، شفافیت و گشایش فضایی را موجب نمایش حرکت از طریق فضای کالبدی معرفی نموده اند (حمزه نژاد و دشتی، ۱۳۹۵). از دیگر نیازهای انسان، بعد روانی می باشد. یکی دیگر از نیازهای انسانی در طراحی فضا، توجه به بعد اجتماعی است. انسان ذاتاً موجودی اجتماعی است. پاسخگویی به این نیاز از طریق ایجاد فضاهایی برای تعاملات اجتماعی که سبب خاطره انگیزی و تعلق به مکان می شود، موجب خودشکوفایی و هویت جمعی، امنیت و در نهایت آرامش جسمانی و روانی انسان می شود (نصرت پور و همکاران، ۱۳۹۹). بنابراین با نگاهی جامع می توان دریافت که نیازهای انسان چند وجهی است که فضای زیست او برای رسیدن به آرامش باید به نیازهای چهارگانه او که شامل نیازهای جسمانی-روحانی، اجتماعی، معنوی و روانی می باشد، پاسخ دهد. لذا با در نظر گرفتن نیازهای انسان در مسکن، می توان موجب افزایش کیفیت زندگی ساکنین و رسیدن به مفهوم سکونت گردید.

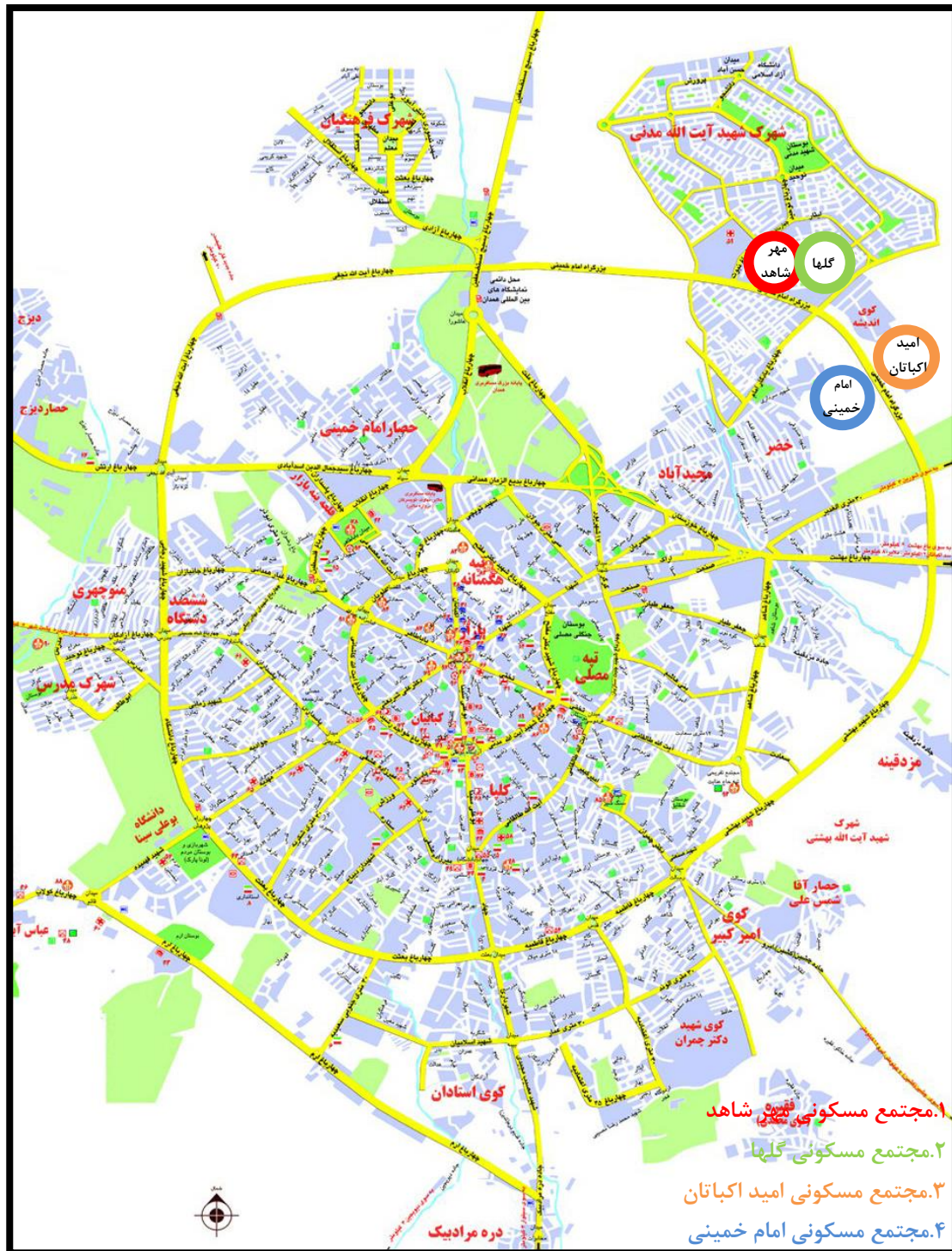
۲- روش تحقیق

مقاله حاضر با روش آمیخته انجام شده است. در بخش اول که به روش کیفی و با استفاده از تحلیل محتوا انجام شده، داده‌ها با استفاده از مصاحبه و منابع معتبر جمع‌آوری شده و تحلیل‌ها در نرم‌افزار MAXQDA20 انجام شده است. جامعه آماری، شامل ساکنان مسکن مهر شاهد، گلها، امید اکباتان و امام خمینی (افرادی که تجربه زیسته در چنین مسکنی را داشته‌اند) در همدان بوده است. داده‌های بدست آمده پس از مصاحبه با جمعاً ۴۳ نفر به اشباع نظری رسیده است (پژوهشگران مرتباً با داده‌هایی مواجه می‌شدند که تکراری بوده و داده بیشتری که سبب توسعه یا اضافه شدن به داده‌های پژوهش شود، کسب نشد). مدت زمان مصاحبه‌ها ۵۰ تا ۶۰ دقیقه بوده است. از میان افراد مورد مطالعه، ۱۰ نفر، ساکنان مسکن مهر شاهد، ۱۳ نفر، ساکنان مسکن مهر گلها، ۱۱ نفر ساکنان مسکن مهر امید اکباتان و ۹ نفر ساکنان مسکن مهر امام خمینی بوده‌اند. مصاحبه‌ها بصورت باز انجام شده است. برای تحلیل اطلاعات از کدگذاری استفاده شده است. براساس مصاحبه‌ها، در مجموع ۲۴۱ کد، ۶۳ کد باز، ۳۱ کد محوری و ۴ کد انتخابی (مؤلفه‌های مفهوم سکونت) استخراج گردیده است. در بخش دوم که به روش کمی انجام شده است، جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه که به صورت آنلاین در میان ساکنان مسکن مهر توزیع گردید، استفاده شده است. در این مرحله هدف، رتبه‌بندی و ارزیابی ابعاد بدست آمده در بخش اول می‌باشد. به کمک فرمول کوکران، ۳۸۰ نفر به عنوان جامعه آماری انتخاب گردید. جهت تحلیل پرسشنامه از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. جهت میزان پایایی و تأیید صحت پرسشنامه، مقدار آلفای کرونباخ آن بررسی گردید که این ضریب با مقدار ۰/۹۱۱ نشانگر اعتبار خوب و قابل اعتماد سؤالات پرسشنامه به منظور تحلیل‌های بعدی است. در بررسی روایی، ابتدا پرسشنامه به تأیید صاحب‌نظران امر رسید، سپس از روش تحلیل عامل اکتشافی و شاخص KMO استفاده شد. با توجه به آنکه مقدار شاخص KMO بیشتر از ۰/۷ است، لذا سؤالات پرسشنامه به درستی طرح شده‌اند. در نهایت داده‌ها با استفاده از آزمون تی و فریدمن مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. پرسشنامه بصورت محقق ساخته با ۲۴ سؤال، به صورت طیف پنج‌گانه لیکرت تدوین شده است.

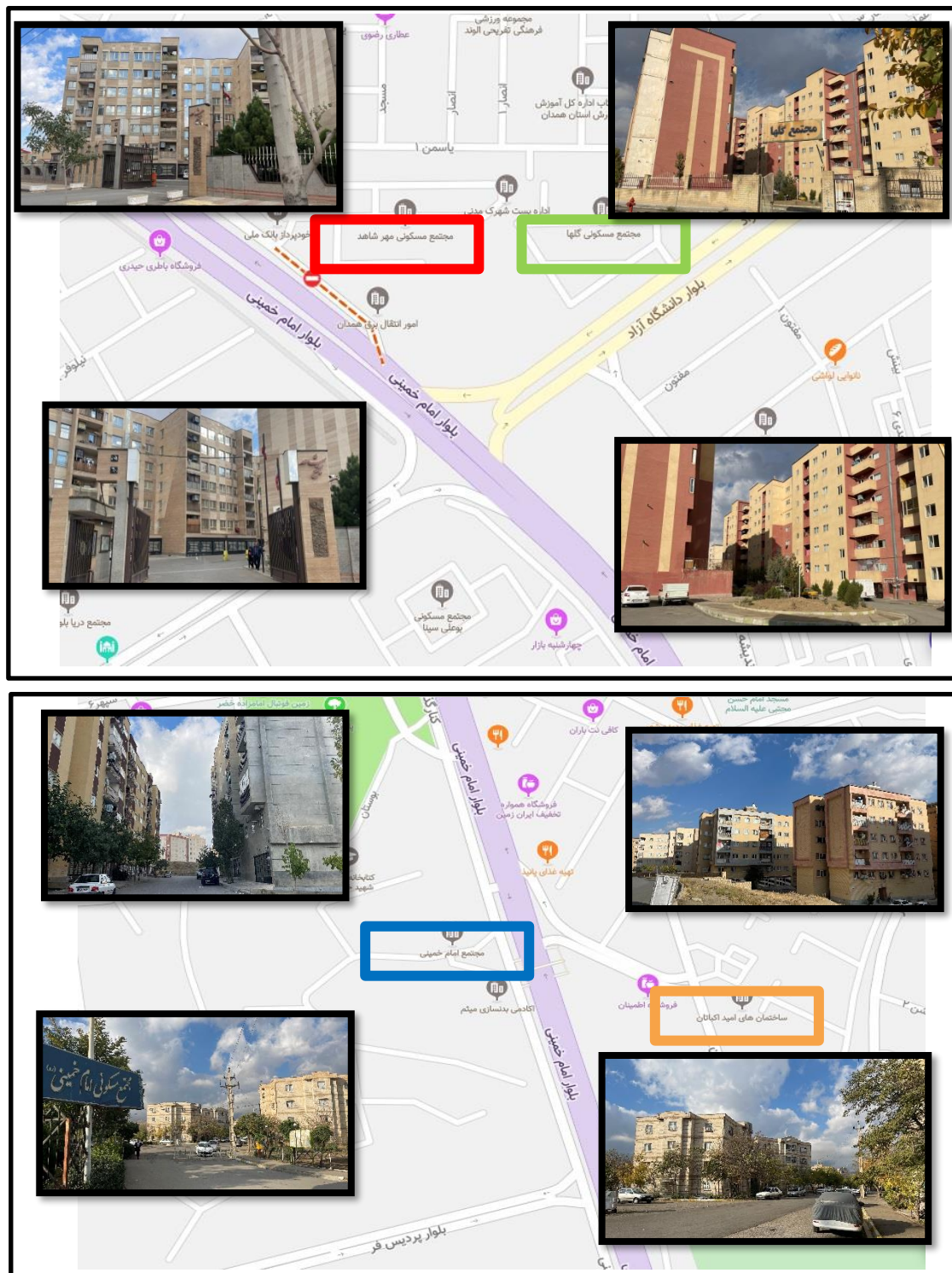
۲-۱- معرفی مطالعه موردی

شهر همدان مرکز استان همدان، یکی از کلان‌شهرهای ایران در غرب کشور است. این شهر از لحاظ جمعیت چهاردهمین شهر پرجمعیت ایران به‌شمار می‌آید. در سال ۱۳۸۵ مجلس شورای اسلامی، همدان را پایتخت تاریخ و تمدن ایران اعلام کرد. در سال‌های اخیر با توجه به نرخ بالای جمعیت به دلایلی چون مهاجرت از شهرهای اطراف، مهاجرت روستاییان، ایفای نقش مرکزیت استان در جهت ارائه خدمات اداری و درمانی، قیمت زیاد زمین و مسکن، هرم سنی جوان، افزایش زوج‌های جوان به‌عنوان متقاضیان مسکن، یکی از قطب‌های دانشگاهی و غیره با مشکل کمبود مسکن مواجه بوده است، لذا یکی از سیاست‌های دولت در تهیه مسکن در شهر همدان، ساخت سکونتگاه‌های مسکن مهر بوده است که از آن جمله می‌توان به مجتمع‌های مسکونی مهر شاهد، گلها، کوی امید اکباتان و امام خمینی همدان اشاره نمود (شکل ۲).

مجتمع مسکونی مهر شاهد در ۶.۵ طبقه، در شهرک آیت الله مدنی واقع شده است. مجتمع مسکونی گلها در ۸.۵ طبقه، در همسایگی مجتمع مسکونی مهر شاهد و در ابتدای جاده دانشگاه آزاد واقع شده است. کوی امید اکباتان در ۶.۵ طبقه و در بلوار امام خمینی واقع شده است. مجتمع امام خمینی در ۴ طبقه و در نزدیکی کوی امید اکباتان واقع شده است (شکل ۳).



شکل ۲: موقعیت مسکن مهر مورد مطالعه در شهر همدان



شکل ۳: تصاویری از سکونتگاه‌های غیر رسمی مورد مطالعه

۲-۲- تحلیل داده‌ها

۲-۲-۱- بخش اول

کدگذاری در سه مرحله باز، محوری و انتخابی انجام شده است (Struss & Corbin, 1998:30). براساس مصاحبه‌ها، در مجموع ۲۴۱ کد، ۶۳ کد باز، ۳۱ کد محوری و ۴ کد انتخابی استخراج شده است. در مرحله اول که کدگذاری باز است، هدف از انجام این مرحله، بدست آمدن مفاهیم بوده است. در مرحله دوم (کدگذاری محوری) که ماهیتی ترکیبی دارد، از اتصال بین مفاهیم، مقوله‌ها بدست آمده است. در مرحله سوم که کدگذاری انتخابی می‌باشد، با ارتباط بین مقوله‌ها، مؤلفه‌های مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های غیر رسمی مورد مطالعه تبیین شده‌اند.

مرحله اول که کدگذاری باز است، با نوشتن مفاهیم در حاشیه متن (مصاحبه‌ها) آغاز شده است. در این مرحله، پس از بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌ها، مفاهیم شکل گرفته است. در روند این کدگذاری، داده‌ها خرد، مقایسه و مفهوم‌سازی شده است. در این مرحله مجموعاً ۶۳ کد باز بدست آمده است (جدول ۱). لازم به ذکر است به دلیل آنکه تعداد کدهای بدست آمده از مصاحبه‌ها زیاد می‌باشد و به جهت آنکه از حوصله خواننده خارج نشود و همچنین فضای زیادی به خود اختصاص ندهد، تعدادی از کدهای باز، ذکر شده است.

جدول ۱. تعدادی از کدهای باز استخراج شده

کدهای حاصل از مصاحبه‌ها		کدهای باز	
۱. به‌کارگیری حواس از جمله بویایی و لامسه	۴۵	همانگی با فرهنگ ایرانی	۲۳. استفاده از فرم‌های هندسی مانند مربع و مستطیل
۲. نمایش گذر زمان با کهنه شدن مصالح طبیعی	۴۶	۱. نمایش بافت مصالح در فضا	۲۴. اختلاط فعالیت‌ها
۳. به‌کارگیری مبلمان مناسب مانند آلاچیق	۴۷	۲. ایجاد فضاهایی به‌عنوان پاتوق	۲۵. ایجاد فضای انعطاف‌پذیر باز
۴. طراحی فضاهایی جهت مشاهده فعالیت‌ها در فضای باز	۴۸	۳. وجود فضای سبز	۲۶. ایجاد نظم هندسی
۵. ایجاد باغچه	۴۹	۴. ایجاد خاطره‌انگیزی	۲۷. وجود حیاط
۶. استفاده از گلدان	۵۰	۵. برخورداری از امنیت اجتماعی، روانی و فیزیکی	۲۸. حیات شبانه از طریق ایجاد فعالیت‌های شبانه
۷. فضایی به‌منظور برپایی جشن‌ها	۵۱	۶. روشنایی در محوطه	۲۹. جدایی حریم عمومی و خصوصی
۸. فضایی به‌منظور برپایی مراسم مذهبی در ایام سال	۵۲	۷. مرزبندی فضاها	۱۴. تفکیک عملکردی فضاها
۹. حصاربندی و محوطه‌سازی	۵۳		
۱۰. تحت کنترل و نظارت بودن فضاهای مجتمع از طریق خود ساکنین	۵۴		
۱۱. نورپردازی فضاهای جمعی	۵۵		
۱۲. نورپردازی فضاهای بازی کودکان	۵۶		
۱۳. جدایی حریم عمومی و خصوصی	۵۷		
۱۴. تفکیک عملکردی فضاها	۵۸		

گروهی					
۳۰. طراحی فضاهای جمعی	طراحی فضای باز و نیمه باز جهت گذران اوقات فراغت	۵۹	۸. ایجاد مانع بصری به داخل واحدها	۱۵. استفاده از فضای پیش ورودی	۱۵
	ایجاد فضای دنج جهت گفتگو بین ساکنین	۶۰	۹. اختصاص فضاهایی برای کودکان	استفاده از عناصر طبیعی و بنایی به عنوان مانع	۱۶
۳۱. ایجاد فضاهایی مانند مرکز محله	ایجاد میدانچه کوچک جهت تجمع ساکنین	۶۱	۱۰. تنوع فضایی برای گروه های مختلف	فضایی برای انجام بازی های فکری	۱۷
	برگزاری بازارچه های محلی	۶۲	۱۱. برخورداری از نور طبیعی در فضاهای داخل	فضایی برای فعالیت هایی مانند دوچرخه سواری	۱۸
۳۲. برخورداری از چشم انداز مناسب	طراحی فضای مناسب در اطراف بنا (فضای سبز و گلکاری شده)	۶۳	۱۲. گشایش فضایی	ایجاد فضای تفریحی، ورزشی و فرهنگی برای جوانان	۱۹
	جهت گیری مناسب بنا و استفاده حداکثری از پتانسیل های سایت	۶۴	۱۳. رعایت تناسبات انسانی	ایجاد فضای تفریحی، گپ و گفت برای سالمندان	۲۰
۳۳. ایجاد فعالیت های گروهی	فضایی برای انواع بازی مانند شطرنج	۶۵	۱۴. ارتباط مناسب فضاها	حداقل امکان استفاده از نور مصنوعی	۲۱
	فضایی برای فعالیت های اجتماعی	۶۶	۱۵. ماده دایی و کاهش جرم و توده	امکان به کارگیری نور جهت گرمایش در زمستان	۲۲
۳۴. نمایش کثرت در وحدت	استفاده از هندسه در تزیینات	۶۷	۱۶. اجتماع پذیر بودن فضا	استفاده از فضای نیمه باز در طراحی	۲۳
	ایجاد طیف های مختلف نور در طول روز	۶۸	۱۷. ایجاد قلمرو فضایی	تداوم و ارتباط فضایی	۲۴
۳۵. توجه به اقلیم در طراحی جزئیات	به کارگیری مصالح متناسب با اقلیم همدان	۶۹	۱۸. جانمایی مناسب فضاها	هماهنگی ابعاد فضاها طبق ابعاد انسان	۲۵
	به کارگیری مصالح مناسب در درب و پنجره	۷۰	۱۹. استفاده از	رعایت ابعاد فضا مطابق با مبلمان	۲۶
۳۶. به کارگیری اشکال هندسی در فضا	ایجاد نظم هندسی از طریق به کارگیری اشکال	۷۱	۲۰. به کارگیری	سیرکولاسیون مناسب فضایی	۲۷
	توجه به فرهنگ	۷۲	۲۱. به کارگیری مصالح بوم آورد	جانمایی درست عرصه عمومی و خصوصی	۲۸
۳۷. استفاده از طرح و پلان متقارن	خوانا بودن فضاها برای سالمندان	۷۳	۲۲. به کارگیری مصالح بوم آورد	سبکی فضا	۲۹
	خوانا بودن فضاها برای کودکان	۷۴	۲۳. به کارگیری مصالح بوم آورد	سیالیت فضایی	۳۰
۳۸. جهت گیری مناسب بنا	استفاده حداکثری از نور طبیعی	۷۵	۲۴. به کارگیری مصالح بوم آورد	ایجاد حس تعلق به مکان	۳۱
	آسایش دمایی	۷۶	۲۵. به کارگیری مصالح بوم آورد	استفاده از مبلمان مناسب	۳۲
۳۹. امکان ایجاد تهویه طبیعی	ابعاد مناسب پنجره در جبهه باد مطلوب	۷۷	۲۶. به کارگیری مصالح بوم آورد	ایجاد حس مالکیت در بین ساکنان	۳۳
	ابعاد مناسب پنجره در جبهه باد غالب	۷۸	۲۷. به کارگیری مصالح بوم آورد	ایجاد حریم خصوصی در بین ساکنین	۳۴
۴۰. سلسله مراتب فضای عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی	حریم بندی فضایی بین آشپزخانه، نشیمن و اتاق خواب	۷۹	۲۸. به کارگیری مصالح بوم آورد	ارتباط مناسب عرصه عمومی و خصوصی	۳۵
	حریم بندی فضای مهمان و خصوصی	۸۰	۲۹. به کارگیری مصالح بوم آورد	جانمایی مناسب فضایی طبق نیاز به نورگیری در طراحی پلان	۳۶
۴۱. به کارگیری مصالح بوم آورد	استفاده از سنگ در نما و فضای داخل	۸۱	۳۰. به کارگیری مصالح بوم آورد	به کارگیری گیاهان، آب و ... در داخل و خارج	۳۷
	استفاده از آجر در نما و تزیین	۸۲	۳۱. به کارگیری مصالح بوم آورد	به کارگیری نقوش گیاهی و کیهانی در داخل	۳۸
	پنجره به عنوان عنصری برای نورگیری و نه عنصری تزئینی در نما	۸۳	۳۲. به کارگیری مصالح بوم آورد	استفاده از فرم های زاویه دار در طراحی فضا	۳۹

۴۰	به کارگیری طرح مربع و مستطیل مطابق با الگوهای فرهنگی	۸۴	پنجره به عنوان عنصری برای تهویه طبیعی و نه عنصری تزئینی در نما	۴۲. استفاده از پنجره به صورت کاربردی
۴۱	ایجاد تعادل در فضا	۸۵	استفاده از نور طبیعی در فضای داخل	۴۳. ایجاد حالتی روحانی
۴۲	نمایش اصل توجید	۸۶	به کارگیری رنگ های همچون آبی و سبز و سفید در فضا	
۴۳	ایجاد حس حرکت در فضا	۸۷	به کارگیری رنگ های روشن	۴۴. نمایش سادگی و پاکی
۴۴	ایجاد تداوم فیزیکی و بصری	۸۸	به کارگیری تزئینات کم و ساده	

در مرحله دوم که کدگذاری محوری است، با گروه بندی کردن آن ها، مقوله ها تشکیل شده است. هدف از انجام این مرحله برقراری رابطه بین مفاهیم در کدگذاری باز بوده است. استخراج مقولات مانند مفاهیم از راه مقایسه انجام گرفته است. در این مرحله مجموعاً ۳۱ کد بدست آمده است (جدول ۲).

جدول ۲. تعدادی از کدهای محوری استخراج شده

کدهای باز (مفاهیم)	کدهای محوری (مقوله)	کدهای باز (مفاهیم)	کدهای محوری (مقوله)
به کارگیری اشکال هندسی	بهره گیری از اشکال ایرانی و خلوص	ایجاد فعالیت های گروهی	تعاملات اجتماعی
تقارن	بهره گیری از طبیعت	طراحی فضاهای جمعی	سلسله مراتب فضایی
وجود فضای سبز		سلسله مراتب فضای باز، نیمه باز و بسته	
وجود حیاط	تنوع عملکردی	سلسله مراتب فضای عمومی، نیمه عمومی و خصوصی	سرزندگی
اختلاط فعالیت ها		حیات شبانه از طریق ایجاد فعالیت های شبانه	
ایجاد فضای انعطاف پذیر باز چندگانه	حریم بندی	ایجاد بازی های گروهی	زندگی جمعی
مرز بندی فضاها		ایجاد فضاهایی به عنوان پاتوق	
ایجاد مانع بصری به داخل واحدها	پویایی فضاها	ایجاد فضاهایی همانند مرکز محله	برخورداری از کیفیت بصری
اختصاص فضاهایی برای کودکان		برخورداری از چشم انداز مناسب	
تنوع فضایی برای گروه های مختلف	عرصه بندی فضاها	نمایش بافت مصالح در فضا	توجه به بوم گرایی
ایجاد قلمرو فضایی		به کارگیری مصالح بوم آورد	
جانمایی مناسب فضاها	کیفیت فضایی	توجه به اقلیم در طراحی جزییات معماری	بهره گیری از طرح های منظم هندسی در پلان
رعایت تناسبات انسانی		به کارگیری هندسه ایرانی	
ارتباط مناسب فضاها	رویداد پذیری فضا	عدم به کارگیری فرم های گرد	صرفه جویی در مصرف انرژی
ایجاد خاطره انگیزی		جهت گیری مناسب بنا	
اجتماع پذیر بودن فضا	امنیت	امکان ایجاد تهویه طبیعی	بهره گیری از مصالح طبیعی
داشتن امنیت اجتماعی، روانی و فیزیکی		به کارگیری سنگ، آجر و چوب	
روشنایی در محوطه	بهره گیری از عناصر طبیعی	به کارگیری مصالح بوم آورد	آسایش حرارتی
به کارگیری حوض در فضای باز		به کارگیری مصالح بوم آورد	

نمایش آسمان از طریق انعکاس آن در آب	به کارگیری ابعاد مناسب پنجره با توجه به اقلیم		
ایجاد فضای پروخالی	ایجاد حالتی روحانی	بهره‌گیری از نور طبیعی	بهره‌گیری از رنگ‌های روشن
استفاده از پنجره با ابعاد مناسب	نمایش سادگی و پاکی		
ایجاد نظم هندسی	شفافیت فضایی	توجه به اصل محوربندی	سیالیت فضایی
توجه به مرکزیت و جهت‌گیری	سبکی فضا		
ماده‌زدایی و کاهش جرم و توده	استفاده از فرم‌های تورفته	شفافیت فضایی	دعوت‌کنندگی
استفاده از پنجره به‌صورت کاربردی	استفاده از عناصر طبیعی		

در مرحله سوم که کدگذاری انتخابی است، فرآیند پیوند دادن مقولات به هم است (Struss & Corbin, 1998:35). در این مرحله وجوه مشترک بدست آمده از مراحل قبلی، در دسته‌بندی کلی‌تری قرار گرفته است. در این مرحله مجموعاً چهار مؤلفه اجتماعی، کالبدی-فضایی، زیست‌محیطی و ادراکی بدست آمده است (جدول ۳).

جدول ۳. کدهای انتخابی استخراج شده

ردیف	کدهای محوری (مقوله)	کدهای انتخابی
۱۵	برخورداری از کیفیت بصری	۱- اجتماعی
۱۶	دعوت‌کنندگی	
۱۷	بکارگیری هندسه ایرانی	
۱۸	بکارگیری عناصر طبیعی	
۱۹	بکارگیری رنگ‌های زنده و روشن	
۲۰	بکارگیری نور طبیعی	
۲۱	شفافیت فضایی	
۲۲	سیالیت و گشایش فضایی	
۲۳	توجه به بوم‌گرایی	۲- کالبدی-فضایی
۲۴	بکارگیری مصالح طبیعی	
۲۵	صرفه‌جویی در مصرف انرژی	
۲۶	بکارگیری طبیعت	
۲۷	آسایش حرارتی	
۱	اجتماع و رویدادپذیر بودن فضا	۳- زیست‌محیطی
۲	تعاملات اجتماعی	
۳	زندگی جمعی	
۴	خاطره انگیزی	
۵	تعلق اجتماعی	
۶	پویایی فضایی	
۷	تنوع عملکردی	
۸	حریم‌بندی و حریمیت	
۹	سلسله‌مراتب فضایی	
۱۰	عرصه‌بندی فضایی	
۱۱	کیفیت فضایی	
۱۲	سازمان فضایی	
۱۳	امنیت	
۱۴	توجه به اصل محوربندی	

۲-۲-۲- بخش دوم

در بخش دوم جمع‌آوری داده‌ها از طریق توزیع پرسشنامه در بین ساکنین مجتمع‌های مسکونی مهر سهند، سهند، امید و عباس و امام خمینی همدان که بصورت تصادفی انتخاب شده‌اند، صورت پذیرفته است. پرسشنامه شامل ۲۴ سؤال در قالب چهار مؤلفه کلی طراحی شده است. ابتدا سؤالات اولیه پرسشنامه، نگارش و سپس ویرایش شد. مرحله بعدی، سؤالات توسط هشت طراح معماری که تجربه طراحی چنین سکونتگاه‌هایی را داشتند، بررسی و روایی آن‌ها با متغیرهای پژوهش تأیید شد. پس از آماده شدن پرسشنامه با طیف لیکرت، پرسشنامه‌ها بصورت آنلاین در بین ساکنان توزیع شد. از مجموع ۳۸۰ نفر از پاسخگویان، ۲۳۸

نفر زن و ۱۴۲ نفر مردان را تشکیل می‌دهند. در مورد مالکیت جامعه آماری، ۳۲/۷ درصد در مسکن استیجاری و ۶۷/۳ درصد در مسکن شخصی سکونت داشته‌اند.

با بررسی وضعیت ابعاد چهارگانه مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های غیر رسمی (زیست محیطی، اجتماعی، ادراکی، کالبدی- فضایی) نتایج بدست آمده، نشان می‌دهد که تمامی ابعاد "اجتماعی" با میانگین (۴/۱۶)، "کالبدی- فضایی" با میانگین (۴/۲۰)، "زیست- محیطی" با میانگین (۴/۰۸) و "ادراکی" با میانگین (۳/۷۵) میانگینی بالاتر از حد متوسط به خود اختصاص داده‌اند. به‌طور کلی با توجه به بالا بودن میانگین ابعاد از حد متوسط، می‌توان نتیجه گرفت که در مجموع ابعاد چهارگانه مورد بررسی در سکونتگاه‌های مورد مطالعه در وضعیت مطلوبی قرار دارند (جدول ۴).

جدول ۴. آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی وضعیت کلی تمامی ابعاد

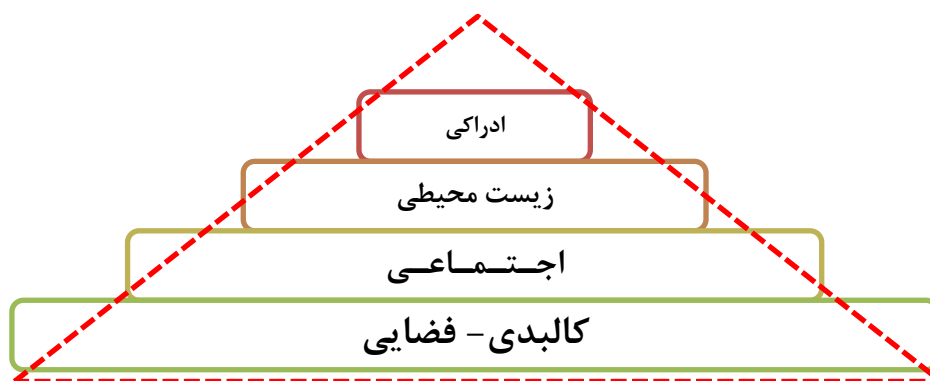
متغیرها	میانگین	انحراف معیار	T	Sig	اختلاف میانگین	با ضریب اطمینان ۹۵ درصد	
						حد بالا	حد پایین
کالبدی- فضایی	۴/۲۰۳۲	۰/۶۴۱۶۴	۳۵/۶۵۷	۰/۰۰۰	۱/۱۷۳۶۸	۱/۲۳۸۴	۱/۱۰۹۰
اجتماعی	۴/۱۶۶۹	۰/۴۳۷۳۰	۵۸/۳۰۲	۰/۰۰۰	۱/۳۰۷۹	۱/۳۵۲۰	۱/۲۶۳۸
زیست محیطی	۴/۰۸۴۴	۰/۸۰۱۶۴	۲۵/۱۴۹	۰/۰۰۰	۱/۰۳۴۲۱	۱/۱۱۵۱	۰/۹۵۳۴
ادراکی	۳/۷۴۵۵	۰/۸۰۹۳۶	۲۱/۳۲۸	۰/۰۰۰	۰/۸۸۵۵۳	۰/۹۶۷۲	۰/۸۰۳۹

در این مقاله با هدف تعیین و رتبه‌بندی مهم‌ترین ابعاد، از آزمون فریدمن استفاده شده است. در ابتدا معنی‌دار بودن آزمون فریدمن بررسی شده است. با توجه به معنی‌دار بودن این آزمون، در ادامه به تفسیر نتایج و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر سکونتگاه‌های مورد مطالعه پرداخته شده است (جدول ۵).

جدول ۵. نتایج رتبه‌بندی آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی متغیرهای پژوهش

رتبه	گویه	میانگین رتبه
۱	کالبدی- فضایی	۴/۶۵
۲	اجتماعی	۴/۲۴
۳	زیست محیطی	۳/۸۱
۴	ادراکی	۳/۳۸
	خی دو	۳۹۷/۸۰۹
	درجه آزادی	۵
	سطح معناداری	۰/۰۰۰

مقدار مجذور خی دو بدست آمده برابر با ۳۹۷/۸۰۹ است که در سطح خطای کمتر از ۰/۵۰ قرار دارد. معنی‌دار بودن آزمون فریدمن بدین معناست که رتبه‌بندی ابعاد مؤثر در سکونتگاه‌های مورد مطالعه از نظر ساکنین با معناست. بر همین اساس نتایج رتبه‌بندی متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد که به ترتیب ابعاد مؤثر در سکونتگاه‌های مورد مطالعه به‌منظور دستیابی به سیاست‌های اجرایی در جهت ارتقاء کیفیت مسکن مهر شهر همدان، کالبدی- فضایی، اجتماعی، زیست محیطی و ادراکی می‌باشند (شکل ۴).



شکل ۴. رتبه‌بندی مؤلفه‌های مفهوم سکونت براساس آزمون فریدمن

با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی، عامل‌ها یا سازه‌های پنهان موجود در ۲۴ گویه استخراج و چهار عامل که زیربنای ۲۴ گویه پژوهش هستند شناسایی شد. جدول ۶ مربوط به بارهای عاملی بعد از چرخش است. میزان بار عاملی هر متغیر در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۶. میزان بارهای عاملی گویه‌ها

ردیف	گویه‌ها	کالبدی-فضایی	اجتماعی	زیست محیطی	ادراکی
۱	در نظر گرفتن فضاهای نیمه باز مانند تراس جهت کاربردهای گوناگون، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۷۵۶			
۲	فضای باز (حیاط) برای ایجاد نشاط اجتماعی و انجام برخی از فعالیت‌ها و ایجاد حس آرامش، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۸۱۸			
۳	کفسازی مناسب حیاط، به منظور استفاده از گروه‌های مختلف سنی (سالمنندان، کودکان و افراد ناتوان) تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۵۰۱			
۴	انعطاف‌پذیر بودن فضاها (تک‌منظوره نبودن، امکان استفاده چندگانه و عدم اختصاص فضا به عملکردی خاص)، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۵۹۴			
۵	ابعاد مناسب واحدها (متناسب با تراکم خانواده‌های امروزی) تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۸۹۹			
۶	ابعاد مناسب فضاها (اتاق‌ها، نشیمن، آشپزخانه و غیره) از جهت کمی و جانمایی مناسب فضاها تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۵۰۲			

۷	کیفیت مصالح به منظور مقابله با سوانح و کاهش هزینه‌های مربوط به تعمیر و نگهداری ساختمان و طول عمر بیشتر بنا تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۵۱۶		
۸	وجود مبلمان شهری در محوطه به منظور آسایش فیزیکی ساکنان تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۴۲۳		
۹	وجود پارکینگ، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۵۷۱		
۱۰	طراحی فضاهای جمعی (آلاچیق، سالن روزنامه خوانی و ...) در جهت رویدادپذیری و ایجاد خاطرات جمعی که منجر به دلبستگی به مکان می‌شود، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۵۰۳		
۱۱	امنیت فیزیکی جهت تردد راحت ساکنین مخصوصاً زنان و کودکان (استفاده از روشنایی، عدم وجود فضاهای متروکه) تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۴۴۸		
۱۲	تعاملات اجتماعی، روابط همسایگی و پیوند عاطفی بین ساکنین (برای رفع مشکلات، ارتباط روزانه و غیره)، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۷۱۶		
۱۳	سرزندگی (استفاده از فضای سبز، وجود حیات روزانه و شبانه، امکان ارتباط بین ساکنین و غیره)، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۵۰۱		
۱۴	حریم‌ها و پیشگیری از هر نوع مزاحمت همجواری در جهت حریمت با محوریت تفکیک فضاهای خصوصی و عمومی در واحدهای همسایگی با توجه به فرهنگ کشورمان، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۵۳۱		
۱۵	امنیت اجتماعی (عدم وجود افراد تهدیدکننده و ...) تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۵۵۴		
۱۶	در نظر گرفتن تعداد کمتر واحدهای مسکونی در یک مجتمع باالاض در یک طبقه در جهت انسجام روابط بین خانواده‌ها و کاهش مشکلات ناشی از تضادهای فرهنگی، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۵۲۲		
۱۷	توجه به آسایش اقلیمی مانند جهت‌گیری مناسب ساختمان در جهت کنترل گرمایش و سرمایش، صرفه‌جویی در مصرف انرژی و کاهش هزینه‌های سوخت در فصول مختلف، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۵۱۹		
۱۸	وجود آلودگی صوتی، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۷۸۳		

۰/۷۹۱			طراحی فضای سبز و ارتباط با طبیعت، در جهت آرامش روحی و روانی ساکنین تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۱۹
۰/۶۱۰			توجه به کیفیت بصری و زیباشناختی در محوطه (استفاده از رنگ‌های مناسب، وجود طبیعت و فضای سبز در جهت ایجاد دید و منظر مناسب و) تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۲۰
۰/۶۷۴			نورگیر بودن فضاهای اصلی (اتاق‌ها و نشیمن و آشپزخانه) تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۲۱
۰/۴۸۶			استفاده از نقوش و رنگ‌های زنده و فرح بخش در فضاها برای رسیدن به مفهوم سادگی و ساده زیستی در خانه ایرانی، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۲۲
۰/۶۰۱			استفاده از مصالح سنتی (آجر، چوب و ...) در جهت زیبایی در فضاهای مختلف (عمومی و خصوصی)، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۲۳
۰/۶۵۵			برخورداری از چشم‌انداز مناسب به مناظر اطراف از فضاهای داخلی، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۲۴

همانطور که مشخص است مقادیر بارهای عاملی هر متغیر قابل قبول بوده و برای تمامی متغیرها غالباً شامل مقادیر مطلوب و بالای ۰/۷۰ می‌باشد و نشان از این دارد که نتیجه تحلیل عاملی مطلوب بوده و عامل‌های مناسبی استخراج شده‌اند. همچنین قابل ذکر است، زمانی که هر متغیر تنها با یک عامل دارای همبستگی بالا باشد و با سایر عامل‌ها دارای همبستگی ضعیف و ناچیزی (کمتر از ۰/۵۰) باشد، نشان از متناسب بودن عامل‌های استخراج شده دارد. همانطور که مشاهده می‌شود، عامل نخست (کالبدی- فضایی)، با ۹ گویه، می‌تواند در مجموع ۱۴/۹۸ درصد واریانس را توجیه نماید که مهم‌ترین گویه در این عامل وجود حیات در مجتمع، برای ایجاد نشاط اجتماعی و انجام برخی از فعالیت‌ها و ایجاد حس آرامش، در نظر گرفته شده است. همچنین عوامل دوم، سوم و چهارم هر کدام به ترتیب از ۷، ۳ و ۵ گویه تشکیل شده‌اند. مهم‌ترین گویه در عامل دوم (اجتماعی)، روابط همسایگی و پیوند عاطفی بین ساکنین و تعاملات (برای رفع مشکلات، ارتباط روزانه و غیره)، مهم‌ترین گویه در عامل سوم (زیست‌محیطی)، ارتباط با طبیعت، در جهت آرامش روحی و روانی و مهم‌ترین عامل در گویه چهارم (ادراکی)، نورگیر بودن فضاها می‌باشد.

۳- بحث و نتیجه‌گیری

در هیاوهی رشد و گسترش سریع شهرها و رشد شهرنشینی و به تبع آن پاسخگویی به نیازهای موجود در بخش مسکن در جهت اسکان جمعیت روزافزون شهرها، کم‌کم رعایت اصول کیفی در فضا که پاسخگوی مناسب و کارآمد به نیازهای انسانی بود به فراموشی سپرده شد و جای خود را به مسکنی داد که صرفاً سرپناهی برای انسان امروزی می‌باشند. به عبارتی در روند غلبه کمیت بر کیفیت فضایی، نیازهای انسانی اولویت خود را از دست دادند. در این راستا در پاسخ به سؤال اول، نتایج بدست آمده نشان می‌دهد مؤلفه‌های مفهوم سکونت با رویکردی پدیدارشناسانه، متناسب با نیازهای انسان و در جهت افزایش کیفیت زندگی، مؤلفه‌های اجتماعی، زیست‌محیطی، ادراکی و کالبدی- فضایی می‌باشند که هر کدام اشاره به ساحات انسانی و درجهت برطرف نمودن آن دارند. در پاسخ به سؤال دوم، به ترتیب مؤلفه‌های مؤثر در سکونتگاه‌های مسکن مهر به‌منظور دستیابی به سیاست‌های اجرایی در جهت ارتقاء کیفیت چنین سکونتگاه‌هایی، مؤلفه کالبدی- فضایی، مؤلفه اجتماعی، مؤلفه زیست‌محیطی و در نهایت مؤلفه ادراکی می‌باشد. درخصوص مؤلفه اجتماعی، وجود تعاملات اجتماعی، برخورداری از امنیت اجتماعی و رعایت حریم، در مؤلفه کالبدی- فضایی، وجود فضای باز و مناسب مساحت کل واحد و همچنین وجود فضاهای نیمه‌باز، در مؤلفه زیست‌محیطی وجود فضای سبز و عدم آلودگی صوتی و نهایتاً در مؤلفه ادراکی برخورداری از نور طبیعی در فضاها از اهمیت زیادی برای انسان در مکان برخوردار است. امید است، نتایج مقاله حاضر بتواند با شناخت مؤلفه‌های مفهوم سکونت، مکانی را به‌عنوان مسکن واقعی و با کیفیت برای زندگی انسان امروزی بوجود آورد. آنچه در نهایت این مقاله بیان می‌دارد این است که انسان چهار سطح نیاز متناسب با ساحات حیات خود دارد که این نیازها باید در راستای تحقق مفهوم سکونت که همانا مؤلفه‌های کالبدی- فضایی، اجتماعی، زیست‌محیطی و ادراکی است، تأمین شود.



شکل ۵: اولویت بندی مؤلفه های دستیابی به مفهوم سکونت در سکونتگاه های غیررسمی براساس نیازهای انسان.
منبع: نویسندگان

فهرست منابع

- احمدی، سارا. حبیبی، میترا. ۱۳۹۸. بازشناسی مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های خودانگیخته مبتنی بر تجارب جهانی. معماری و شهرسازی. ۲۹ (۴).
- بدیعی قراقیه، رقیه. اربابی سبزواری، آزاده. ۱۴۰۱. توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی با تأکید بر رویکرد سرمایه اجتماعی. مطالعه موردی: شهر اسلامشهر. مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای. شماره ۳.
- توکلی، نیکی. ماجدی، حمید. ۱۳۹۲. عملکرد محیط‌های سبز و طبیعی در ارتقاء سلامت روحی- روانی انسان. هویت شهر. شماره ۱۳.
- پرتوی، پروین. ۱۳۹۴. پدیدارشناسی مکان. تهران: انتشارات متن.
- حمزه‌نژاد، مهدی. دشتی، مینا. ۱۳۹۵. بررسی خانه‌های سنتی ایران از منظر پدیدارشناسان و سنت‌گرایان معنوی. نقش جهان. شماره ۲.
- دزفولی، مریم. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۹۳. طراحی فضای شهری به‌منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی. هویت شهر. شماره ۱۷.
- دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۷۷. لغت‌نامه دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- سازمان برنامه و بودجه کشور. سالنامه آماری کشور. ۱۳۹۵.
- سقای، محسن. آزاده، سید رضا، فدایی جزی، فهیمه. جعفری، فاطمه. ۱۳۹۹. تحلیلی بر عوامل کلیدی مؤثر بر گسترش مهاجرت‌های روستایی با تأکید بر مسئله اسکان غیررسمی. مطالعه موردی: محله شیرآباد زاهدان. پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی. شماره ۳.
- سعادت، داوود. اعتصام، ایرج. مختابادامری، سیدمصطفی. مهدوی‌نژاد، محمدجواد. ۱۳۹۶. تبیین مفهوم شفافیت در دوره‌های مدرن، پست‌مدرن و ارزیابی آن در معماری اسلامی ایرانی. پژوهش‌های معماری اسلامی. ۵ (۲).
- شیعه، اسماعیل. حبیبی، کیومرث. کمالی‌نسب، حامد. ۱۳۹۰. فرایند شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی نمونه موردی. محله سهرابیه کرج. مسکن و محیط روستا. شماره ۱۳۳.
- عبدلی سلطان احمدی، جواد. پاشوی، قاسم. فراست محمدی، معصومه. ۱۳۹۲. بررسی مؤلفه‌های نیازهای معنوی از دیدگاه اسلام. مطالعات اسلام و روانشناسی. شماره ۱۲.
- علی‌الحسابی، مهران. کرانی، نعیمه. ۱۳۹۲. عوامل تأثیرگذار بر تحول مسکن از گذشته تا آینده. مسکن و محیط روستا. شماره ۱۴۱.
- کریمی، مهسا. حجت، عیسی. شهبازی‌چگنی، بهروز. ۱۳۹۷. جستار در چگونگی پیوند ساکن و مسکن. باغ نظر. شماره ۶۱.
- ضرغامی، اسماعیل. قنبران، عبدالحمید. سعادت‌ی وقار، پوریا. ۱۳۹۸. مطالعه تطبیقی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر بهبود رضایتمندی سکونتی در مجموعه‌های مسکونی اقشار کم‌درآمد. مطالعات شهری. شماره ۳۳.
- مهدی‌نژاد، جمال‌الدین. عظمتی، حمیدرضا. صادقی حبیب‌آباد، علی. ۱۳۹۷. بررسی و بازخوانی مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقاء حس معنویت در معماری. معماری شهر پایدار. شماره ۱.
- نصرت‌پور، دریا. انصاری، مجتبی. پورمند، حسنعلی. ۱۳۹۹. تبیین نقش ادراکات حسی در میزان خاطره‌انگیزی میدان‌های شهری. مطالعات مدیریت شهری. شماره ۴۴.

نقره کار، عبدالحمید. مظفر، فرهنگ. تقدیر، سمانه. ۱۳۹۳. بررسی قابلیت‌های فضای معماری برای ایجاد بستر پاسخ‌گویی به نیازهای انسان از منظر اسلام. مطالعات شهر ایرانی اسلامی. شماره ۱۵.

امین‌پور، احمد، مدنی، رامین، حیاتی، حامد. دلداده، محمدعلی. ۱۳۹۴. بازشناسی مفاهیم مسکن و سکونت براساس آموزه‌های اسلامی. مدیریت شهری. ۱۴(۴۰).

ایللیکا، شاهین، منصوری، بهروز، نصیرسلامی، محمدرضا. صارمی، علی اکبر. ۱۳۹۴. تبیین مفهوم مسکن و سکونت در رویکرد پدیدارشناسی و رهیافت پارادایم‌های فرهنگی زیستی. مدیریت شهری. ۳۹(۱۴).

کریمی، مهسا، حجت، عیسی. شهبازی‌چگنی، بهروز. ۱۳۹۷. جستار در چگونگی پیوند ساکن و مسکن. باغ نظر. ۱۵(۶۱).

مظفری‌نیا، اسما. مصیب‌زاده، علی. ۱۴۰۱. واکاوی ابعاد کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی و ارائه راهکارهای ساماندهی محلات هدف. نمونه موردی: شهر ارومیه. پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری. شماره ۱.

وزیری‌زاده، علیرضا. حق‌شناس گرگانی، نسرین. ۱۴۰۳. مسئله سیاست اجتماعی مسکن در ایران: بررسی اثرات اجرای پروژه مسکن مهر بر گسترش پدیده جدایی‌گزینی فضایی - اجتماعی در مجموعه کلان‌شهری تهران. برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای و شهری. شماره ۳۰.

Amirjani, Rahmatollah. 2020. **The History of Social Housing: An Ongoing Story**. Univerdity Canberra Publication.

Heidegger, Martin. 1976. **The Concept of Time**. (Translated from English to Persian by A. Abdollahi). Tehran: Nashr Markaz Publication.

Heidegger, M. (1976). **Being and Time**. (S. Jamadi, Trans.). Tehran: Ghoghnoos Publication.

Norberg-Schulz, Christian. 1984. **The Concept Of Dwelling: On the Way to Figurative Architecture**. (Translated from English to Persian by M. Amir Yarahmadi). Tehran: Agah Publication.

Strauss, A. L & Corbin, J. (1998). **Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory**. (B. Mohammadi, Trans.). Tehran: Pajoheshgah Oloum Ensani Publication.

Norberg-Schulz, Ch. (1988). **Architecture, Meaning & Place**. (V. Norouz Borazjani, Trans.). Tehran: Parham Naghsh Publication.

Rapoport, A. (1982). **The meaning of the built environment, a nonverbal communication approach**. (Translated from English to Persian by F. Habib). Tehran: Pardazesh & Barnamehrizi Shahri Publication.